



# SENSATIONAL ★ WONDER WOMAN



**CHAPTER TWO**



دارم میام  
دارم میام، خانم ها...

...جایی برای  
پنهان شدن شما  
نمونده!





و وقتی  
پیداتون  
کنم...



...تبدیل ذهن شما  
به سس سیب رو کامل  
می کنم!



البته اگه  
واندرومن تا حالا  
بطور کامل تبدیل نشده  
باشه.

**SLAM**



وقت زیادی  
نداریم دایانا...

... و من نمی دونم  
چطور باید بهت کمک  
کنم.

هر بلایی که  
دکتر دیوانه  
سرت آورده... باید  
باهاش مبارزه  
کنی.





بیمار زیاد  
سرحال به نظر  
نمی رسه...



...خوبه که من یه  
دکترم!

واندرومن  
رو رها کن،  
وگرنه...



وگرنه چی  
هاوک گرل؟

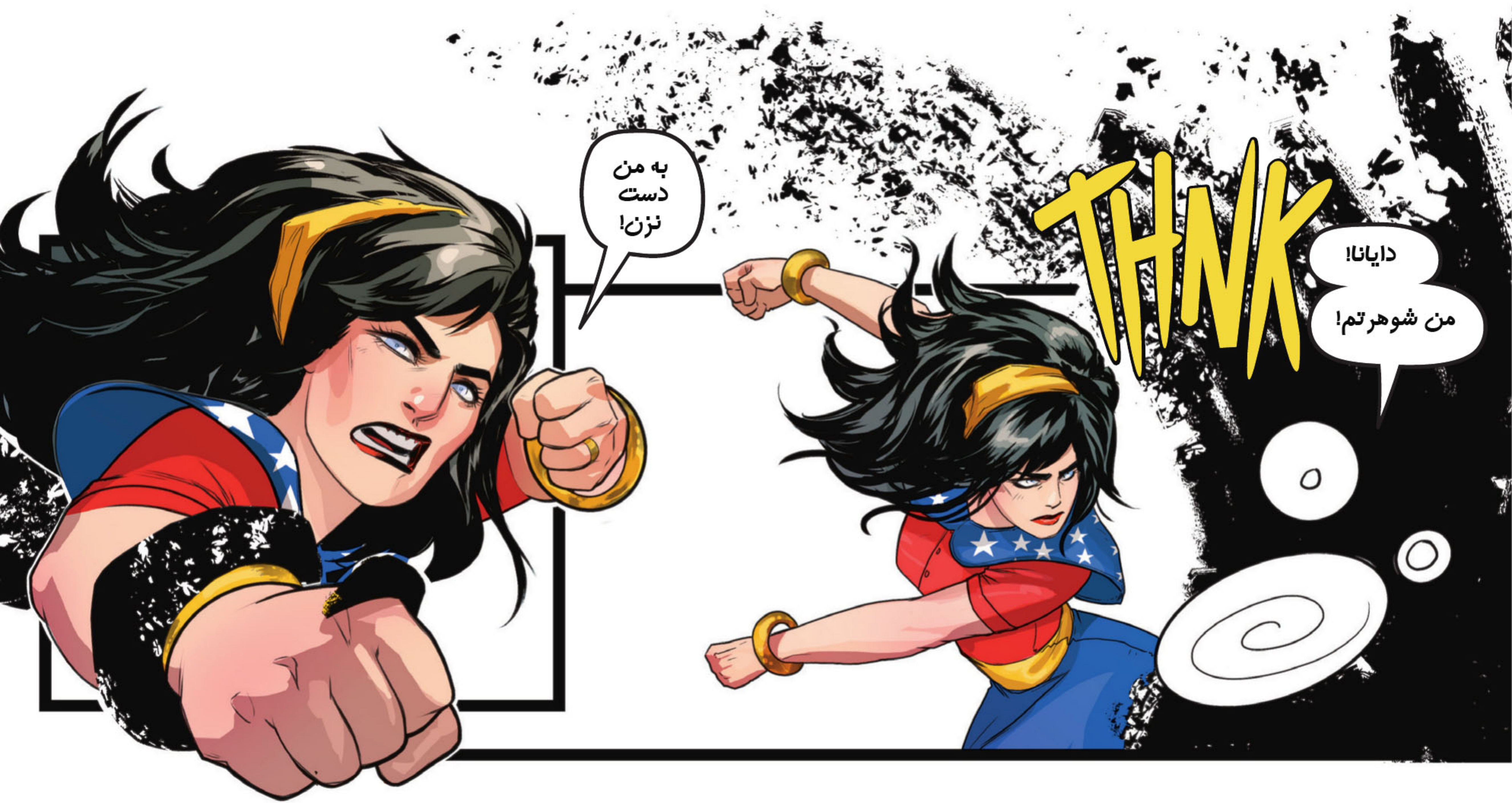


آآخ...

نمی دارم  
دستت بهش  
برسه!







به من  
دست  
نزن!

THANK

دایانا!  
من شوهرتم!



نه... تو  
واقعی  
نیستی...

این...  
دنیا واقعی  
نیست.

باید به راهی  
به بیرون پیدا  
کنم...





...و الان فقط  
یه راه خروج می بینم.



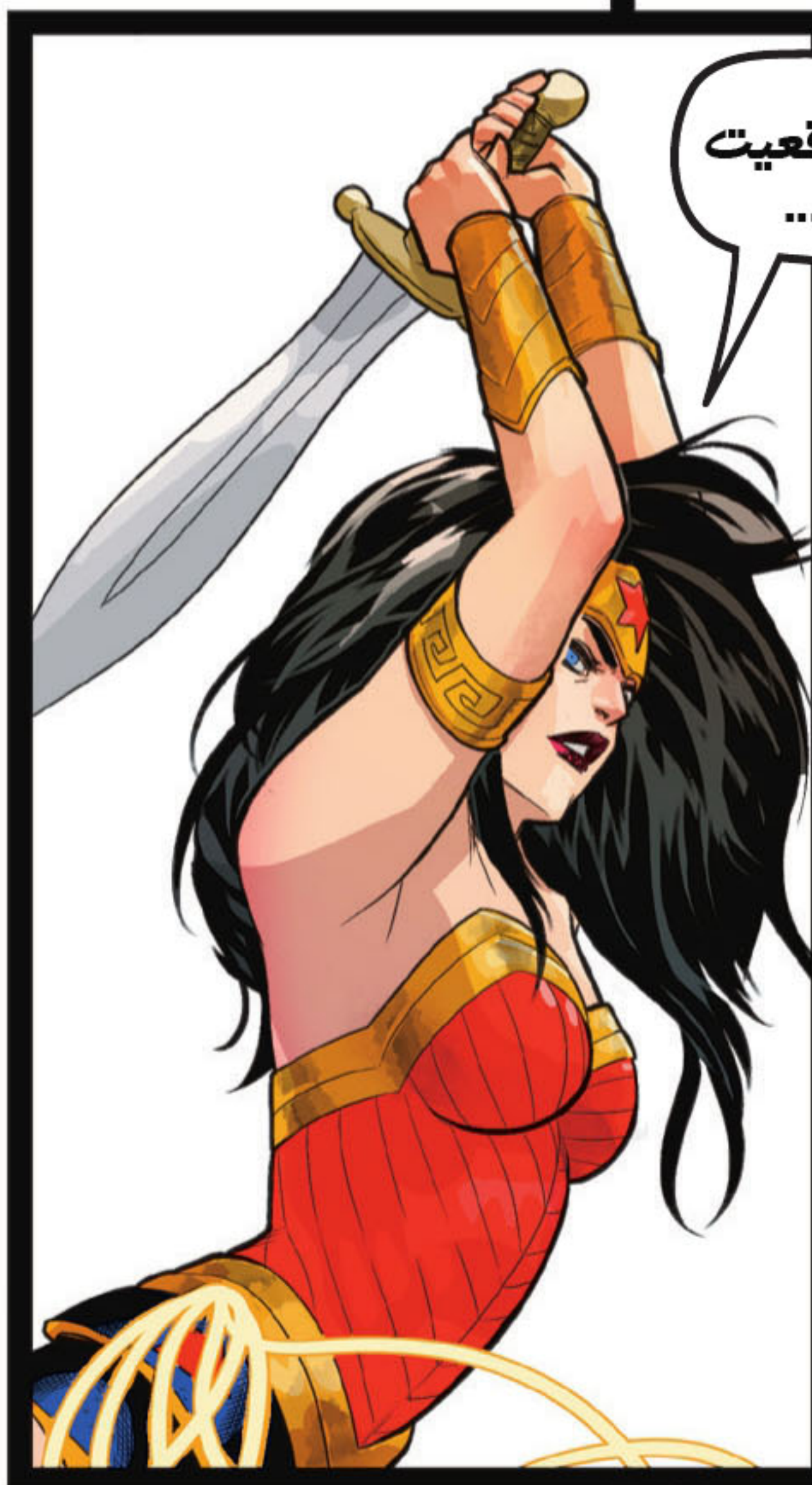




WHACK



این...!



واقعیست...  
...



...نداره!









خوب. پس  
با من بیا...  
...عزیزم.



نه!

”بعضی وقت ها  
نمی دونم اون سر  
کوچولو و قشنگت  
کجا می ره.“

”بیدار شو  
دایانا.“





”تو فقط یه زن ساده هستی.“

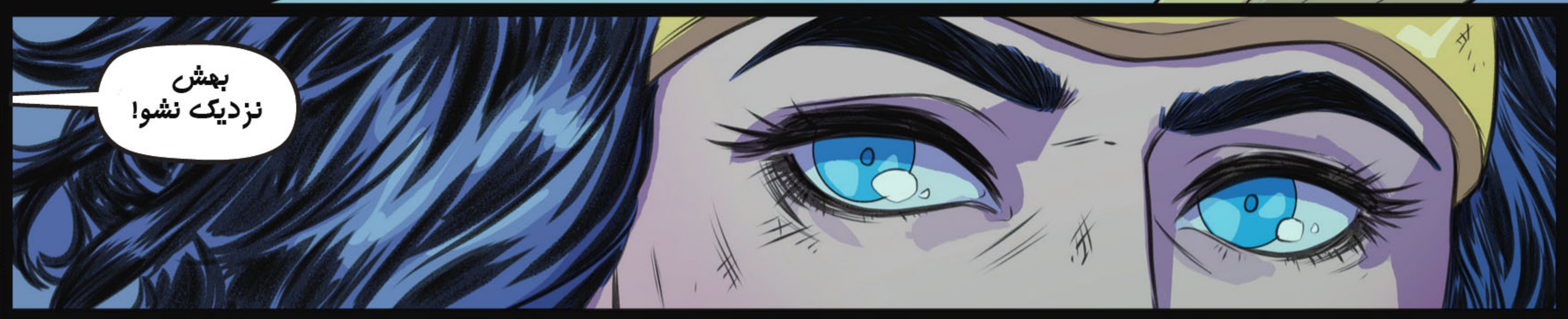


”بجنگ دایانا... می دونم می تونی برنده بشی...“



یادم میاد...





بهش  
نزدیک نشو!

می بخشی  
که باید در رو به روی  
قهرمان بازی های پوشالیت  
ببندم، هاوک گرل...

هاه...؟









فکر نمی کنم  
در موقعیت مناسبی  
باشی که درخواست  
کنی...



...اووونگ...







چون...  
قراره بری  
پیش دوست  
کوچولوت  
تو...



هاه؟

دورنامه  
dorname.ir



واندرو من!

چطور  
تو نستی...؟  
تو نباید...؟

من بخشی  
خیلی طول کشید.  
من تمام روز تو  
آشپز خونه  
گیر افتاده بودم...







...فکر کنم  
بتونم یه کم هوا  
مصرف کنم.





...نه... واقعاً فکر  
می کنند که به این  
سادگی می تونند دکتر  
دیوانه رو از میدون به  
در کنند...؟



بهتر بگی  
دکتر بی بخار...



☆  
"...فکر کنم وقتشه  
که سوگندت رو به  
یاد بیاری."

چه بلایی  
سرت آورده؟

منو تو ذهن خودم  
زندونی کرده بود... توی  
یه کابوس.

چقدر بد  
بود؟




خوب، من متأهل  
بودم.

حق با  
توئه...







...شبییه یه  
کابوسه.

همینطوره.  
ما تفاوت هایی داشتیم  
که قابل جبران نبود.

پایان